

نکات نظر شورای اروپایی حزب ملی افغانستان در گردهمایی تاریخی ۳۰ و ۳۱ جنوری سال ۲۰۱۰ نیروهای ملی و دموکراتیک کشور در اروپا منعده در هامبورگ - جرمنی

دوستان عزیز!

اجازه دهید ، نخست از همه از نام شورای اروپایی حزب ملی افغانستان ، به تک تک شما عزیزان ، نسبت بهم رسانی حضور تان از جاهای دور درین گردهمایی بشارت دهنده خیرمقدم گفته ، سلام ها و درودهای گرم و صمیمانه رفیق عبدالحی (مالک) رهبر جوان و با انرژی حزب ملی افغانستان و ارزومندی رفیق (مالک) را در زمینه کار موفقانه نشست امروزی به شما تقدیم نمایم .

دوستان ! سه دهه جنگ خونبار و ویرانگر، مردم و کشور تاریخی مارا به لبه پرتگاه نابودی برده است . موقعیت حساس جیوپولیتیک کشور ما و عطش نفوذ قدرت های بزرگ ، سیاست ها و منازعات منطقوی ناشی از آن ، سیاست های داخلی و خارجی افغانستان را متأثر ساخته است . سیاست های بیگانه نه تنها در عرصه سیاست ، بلکه در عرصه های حیات ملی ، فرهنگی ، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی ما نیز اثرگذار بوده و باعث بقای استبداد و خودکامگی در عرصه سیاست و تمام شؤون حیات اجتماعی گردیده است . حوادث سیاسی سه دهه اخیر، نمونه های بارز و فراموش ناشدنی را، برای اثبات علت خارجی استبداد و خودکامگی در کشور ما، به نمایش گذاشته است . وقتی جامعه ازاد افغانی به وجود آمده میتواند که اولاً پشتوانه خارجی استبداد در کشور از بین برود و ثانیاً مناسبات قبیلوی در فرهنگ سیاسی ما از رشد بیفتد . مناسبات قبیلوی مانع بزرگ و اساسی وحدت ملی است . مبارزین واقعی راه آزادی و حقوق انسان وظیفه دارند ، تا افکار و عملکرد سیاسی خود را در برابر مداخلات سیاسی بیگانگان ،

علیه مناسبات قبیلوی به مثابه بستر استبداد و زمینه مداخلات خارجی و بر ضد نفاق ملی و قومگرایی سوق دهند .

انارشی چپاولگر اول جهادی وانگیزیسیون نفرت انگیز طالبی ، افغانستان را به مرکز پرورش و صدور تروریسم و مواد مخدر مبدل ساختند . فاجعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ ایالات متحده و متحدین آنرا وادار ساختند ، تا حاصلات کشت وکار خونبار خویش (پرورش ، تجهیز و تمویل بنیادگرایان) را که در جریان سالیان متمادی بارور گردیده بود ، جمع آوری نمایند . هشت سال پیش اداره بوش با استفاده از سرجنابان سازمان ملل ، یکجا با متحدین خویش بر حریم مقدس کشور ما یورش بردند . تاراجگران جهادی « اتحاد

شمال » با دریافت مبالغ هنگفت دالری از سیا، نقش نیروی پیاده این تهاجم را بر دوش داشتند . خلاصه اینکه گیلیم حاکمیت منحوس طالبان قرون وسطایی برچیده شد، چور وچپاول جهادی ، غصب ملکیت های عامه و خصوصی ، ترور و اختطاف ، تهدید و محو مخالفین به نام طالب به پیمانانه وسیع آغاز گردید .

هشت سال از تهاجم و حضور نیروهای خارجی در افغانستان میگذرد. امیدواریهای مردم به ستوه آمده افغانستان ، برای تأمین صلح و آرامش در کشور شان رفته رفته نقش بر آب میگردد. ادعاهای برگرداندن صلح و ثبات ، تحکیم دموکراسی و حاکمیت قانون به چلنج های جدید روبرو میگردد . زرع و تولید رو به تزاید مواد مخدر و موجودیت انبار های اسلحه نزد جنگسالاران اتحاد شمال از یکسو ، فساد اداری مزمن ، بی کفایتی اداره در امر تأمین صلح و امنیت برای اهالی ، ایجاد زمینه های کار ، تأمین ضرورت های اولیه زندگی و عملیات خودسرانه نیروهای خارجی و تلفات ملکی ناشی از آن از سوی دیگر ، طالبان را بمتابه طرف نزاع خونین از لحاظ لوژستیک و اکمالاتی تأمین مینماید .

پاکستان در ظاهر امر متحد جنگ علیه القاعده و طالبان است ، در حقیقت پرورشگاه و خاستگاه اصلی بنیادگرایی و تروریسم بشمار میرود . طالبان و القاعده طور پیهم از اطلاعات نظامی و همکاری همه جانبه اردو و دهها سازمان تروریستی و نظامی بنیادگر پاکستانی و احزاب اسلامی حاکم برخوردار می باشد . هنوز هزاران مدرسه در پاکستان با تمام نیرو، مصروف تربیت و پرورش مجاهدین و طالبان جدید اند . مدرسه های مذکور عقب جبهه نیرومند ومطمین از لحاظ اکمال نیروی انسانی برای القاعده و طالبان است .

ایران درگیری ایالات متحده آمریکا و متحدین آنرا در افغانستان فال نیک برای پیشبرد سیاست های اتمی خویش میداند . جنگ افزارهای به دست آمده از جنگجویان طالبان حاکی از داد و ستد مخفی محافل حاکم آخوندی ایران با طالبان افغانستان است .

روسیه با داشتن « اتحاد شمال » به مثابه کارت بازی و وسیله فشار بر ایالات متحده آمریکا و تشدید جنگ با طالبان و القاعده را، برای مقاصد خویش در خصوص جا به جا سازی سیستم های دفاع راکتی آمریکا در اروپا و جلوگیری از گسترش دامنه نفوذ ناتو بسوی روسیه ، استفاده به عمل می آورد .

رشد افسانوی و بی نظیر اقتصاد جمهوری توده ای چین و حضور نیرومند و پر توان این کشور در عرصه تجارت جهانی به مثابه عامل مهم در مناسبات بین المللی ظهور نموده است . به هیچ وجه نمیتوان نقش کشورهای چین ، هند و روسیه را در محاسبات منطقی از نظر انداخت . در اثر سیاست های سیطره جویانه و عطش تحمیل هژمونی سیاسی و نظامی بر جهان ، علاوه بر افغانستان و عراق مراکز جدید تشنج در یمن ، سومالیه ، فلیپین ، نایجیریا ، کینیا و سودان و سایر نقاط جهان در حال تکوین اند .

این در حالی است که ایالات متحده آمریکا در نقش بازیگر اصلی درگیریهای خونین با تروریست های طالب و القاعده ، دچار بحران عمیق گردیده و تنها قرضه های بلیونی جمهوری توده ای چین است که پایه های لرزان اقتصاد آنکشور تا هنوز فرونریخته است . طبق آمار تازه ، کسر بودجه ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۹ به یک اعشاریه چار تریلیون دالر رسیده است . با وجود تدابیر بازدارنده اداره اوباما وخامت تضادهای درونی و اوضاع بین المللی به سرعت سیر صعودی خود را طی میکند . تداوم جنگ فرسایشی در افغانستان ، ایالات متحده و متحدین ناتوی آنرا به تجدید سیاست ها و ترک مواضع توسعه جویانه وا میدارد .

جامعه جهانی با در نظر داشت اهمیت ستراتیژیک کشور ما و خطر کشنده بنیادگرایی و تروریسم برای صلح جهانی ، به امر اعاده صلح و ثبات در افغانستان ، تحکیم دموکراسی ، حاکمیت قانون و بازسازی متعهد گردیده است . در حالیکه فرصت های زیادی ، به علت نفوذ جنگسالاران در اداره دولت و نبود الترناتیف دموکراتیک ، ضایع گردیده است ، ادامه وضع به همین منوال خطرات جدی و باورنکردنی در قبال دارد .
رفقا و دوستان !

وضع دهشتناک اقتصادی و اجتماعی کشور و مردم را نه میتوان در چند سطر، یک نبشته اجمالی و سخنرانی مختصر تر سیم نمود . جنگ و ناامنی چون شمشیر داکلیموس هر لحظه

زندگی هر هموطن ما را تهدید میکند. جنگ خونین جاری در افغانستان انسانها، داریها و ثروتهای ملی را به کام خود فروبرده، ظرفیتها و قابلیت های زندگی را حذف میسازد. جنگ مشتعل شده، جز جنگ افروزان، تمام اقشار و طبقات جامعه را تهدید میکند. روزی نیست که دهها هموطن مظلوم ما از مصیبت جنگ و خشونت و یا بدبختی های دیگر قابل وقایه، زندگی خود را از دست ندهند.

مليونها هموطن ما ۶۰ درصد زیر خط فقر بسر میبرد و ادعای مقامات اداری افغانستان در مورد (۵۰۰) دالر عاید سرانه ملی در سال ۱۳۸۸ مضحکه ای بیش نیست. بیش از یک چهارم مردم ما از گرسنگی مطلق رنج میبرند.

در حالیکه قیمت های مواد غذایی، البسه، مواد محروقاتی و کرایه های منازل طور سرسام آور افزایش می یابد، ملیونها انسان مستعد به کار از حق کار و شغل محروم و سرگردان در کشورها ی بیگانه در جستجوی کار و منابع عایداتی هستند، دولت هیچگونه اقدامی برای کاریابی و تعیین سببایدی بر مواد ضرورت اولیه حیاتی ننموده است. هنوز ملیونها هموطن ما تحت فشارهای گوناگون در مهاجرت، دور از خانه و کاشانه ویران شده خود زندگی میکنند، و کاری برای عودت شرافتمندانه آنها صورت نه گرفته است، آنهاييکه عودت نموده اند، از سرپناه، شغل و حد اقل امکانات زندگی برخوردار نیستند. تهیدستان جامعه تهیدست تر میگردند و شکاف بین تهیدستان و چپاولگران، جنگسالاران، دزدان، صاحبان سرمایه و دشمنان خلق روز به روز عمیقتر میگردد. نصف جامعه (زنان کشور) یوغ کمرشکن بندگی و قیودات قرون وسطایی را به دوش میکشند و سالانه صدها زن معصوم، قربانی های فشار و خشونت، اقدام به خود سوزی و خودکشی می نمایند. این امر و هزاران جنایت تکانهنده دیگر لکه ننگ بر جبین بنیادگرایی است! مافیای دین فروش و خون آشام مواد مخدر، اپیدیمی اعتیاد به مواد مخدر را شایع ساخته و لشکر معتادین رابه حیث یک بدبختی جدید بر بدبختی های بیشمار اجتماعی افزوده اند. بدبختی های بیکران خلق ما را نه میتوان درین اختصار برشمرد. قابل یاد آوری است که طی هشت سال گذشته گام های در عرصه های گوناگون برداشته شده است.

تدوین قانون اساسی دارای ارزشهای دموکراتیک، باوجود نقیصه ها و نکات مبهم، حقوق و آزادی های مردم را ضمانت قانونی داد. گام بعدی ایجاد کردن نهاد های است تا حقوق و آزادی ها را در جامعه حفظ و تقویت نمایند. قانون اساسی موجود حقوق و آزادیهای مردم را تضمین کرده است ولی وقتی مردم آنرا به حیث ضمانت قبول خواهد کرد که تضمینات قانونی تجسم عملی پیدا کند. بر نیروهای ملی و دموکراتیک کشوراست، تا از روی پروگرام مشترک سیاسی

، برای تحقق ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی و اصول دموکراسی کار نمایند و زمینه مشارکت عملی مردم را در اداره و کنترل قدرت سیاسی ، که هنوز بعنوان یک ایدیال مطرح است ، مساعد سازد .

این قانون پلورالیسم سیاسی را به رسمیت شناخته است ، و برای افغانها زمینه های رقابت سیاسی را در چوکات قانون، برای انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی، مساعد ساخته است . بنیادگرایان تا توانستند ، در برابر کلمه دموکراسی در متن قانون اساسی مخالفت کردند . از نظر ما وظیفه دموکراتها ، نیروهای ملی و مترقی است تا از ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی در برابر انواع مظاهر استبداد دفاع نمایند .

بر اساس قانون اساسی کشور، قانون فعالیت احزاب سیاسی تدوین گردیده است . اکنون دهها حزب و سازمان سیاسی در جامعه، طبق قوانین موضوعه کشور فعالیت دارند . ما از آزادی تشکیل احزاب سیاسی ، تعدد و کثرت منابع قدرت با همه نیرو دفاع مینماییم ، ولی تشکیل احزاب انجویی و مربوط به شبکه های استخباراتی کشورهای خارجی را منافی با منافع ملی افغانستان میدانیم .

بر مبنای قانون مطبوعات آزاد ، دهها فرستنده تلویزیونی رسمی و غیر رسمی ، جراید و مجله های بیشمار در کشور فعال اند . شبکه های مواصلاتی و مخابراتی در مرکز و ولایات کشور ، روز به روز توسعه می یابد .

پروژه خلع سلاح گروههای غیرمسؤل در چوکات دی دی آر و غیره آغاز گردیده است ، گرچه نتایج ملموس را بار نیاورده ، مقاومت جنگسالاران و دزدان مسلح ادامه دارد ، ولی تحکیم پایه های دموکراسی و حاکمیت قانون ، بدون شک این پروژه را عمق و توسعه خواهد بخشید . در عرصه تعلیم و تربیه نسل جوان ، با وجود کارشکنی ، حریق و منفجر ساختن مکاتب ، ترور استادان تهدید و تخویف طالبان و جنگسالاران گام های برداشته شده است . اکنون ملیونها کودک اعم از پسران و دختران به مکتب و کودکستانها راه یافته اند .

حزب ملی افغانستان از پروژه دموکراتیزه ساختن زندگی اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی ، از تلاشها برای برقراری صلح و ثبات ، حاکمیت قانون ، تشکیل ، تربیت و تجهیز نیروهای مسلح افغان ، خلع سلاح باندهای غیر مسؤل مسلح مجاهدین ، مبارزه با زرع ، تولید و قاچاق مواد مخدر و اسلحه ، مذاکرات برای صلح و تفاهم ، آشتی و سازش و عودت شرافتمندانه مهاجرین افغان ، حمایت و پشتیبانی مینماید .

حزب ملی افغانستان حضور نیروهای نظامی خارجی را الی تشکیل اردو و پولیس ملی افغانستان ضروری پنداشته و سیاست های تعصب آمیز متصدیان اداره دولتی را در برابر افسران شجاع ، شایسته و وطنپرست اردوی سابق را با بانگ رسا محکوم مینماید .

رفقا گرمی و دوستان عزیز !

متلاشی شدن تراژیک حزب دموکراتیک خلق افغانستان هرچه ناگوار ، دردناک و تأسف انگیز است ، ولی یک حقیقت است . تجارب مبارزات دادخواهانه حزب دموکراتیک خلق افغانستان گنجینه تاریخ کشور ما را غنمند ساخته است . این حزب نقش تاریخی خویش را ایفا نمود و به حکم شرایط و زمان از صحنه سیاسی نا پدید گردید و از بدنه آن سازمانها و احزاب سیاسی متعدد با افکار و اندیشه های همگون و نا همگون تراوش کردند . عده نه چندان کم از اعضای سابق حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، باور خود را به مبارزه عادلانه از دست داده است . آنها حزب و کلیه اعضای حزب را دشنام میدهد ، ما با این عده از رفقای نیمه راه کاری نه داریم . ما ارزیابی نقادانه و غیر مغرضانه حزب دموکراتیک خلق افغانستان را مفید برای جنبش دادخواهانه امروز و فردا میدانیم و توصیه می کنیم تا از قضاوتهای عجولانه و شتابزده گی در این امر پرهیز گردد. تاریخ بهترین داور است .

از نظر ما ، نسلژی احیای مجدد حزب دموکراتیک خلق افغانستان یا حزب وطن هم تلاشی است ، غیر متناسب و بدون نتایج عملی ! (این کار معادل جستجوی عیسی مسیح است ، برای زنده کشیدن مرده از گور)

یکعده از دوستان ، اتحاد وهمبستگی و تشکیل حزب واحد را انتظار میکشند، ما در حالیکه این احساس شریفانه را قدردانی نموده ، تلاشهای سازنده و فعالیت های خلاقانه درین راستا را بیدریغ پشتیبانی و حمایت می نماییم . ما پیوسته و همیشه بر ضرورت اتحاد و همبستگی تأکید نموده ایم !

جلسه مهم و تاریخی ۱۷ جدی سالجاری نهضت تفاهم در شهر تاریخی کابل گام مهم درین جهت به شمار میرود . ما به خوشبینی و اپتیمیسم به تلاشهای وحدت طلبانه در کشور مینگریم .

« به یقین کامل شما از تلاشهای صادقانه ، دوامدار و پیهم حزب ملی افغانستان در جهت وحدت و اتحاد اصولی نیرو های ملی ، دموکراتیک و مترقی به خوبی واقف و آگاهید و بلا تردید تاکید مکرر حزب ملی افغانستان بر ضرورت و نا گزیری وحدت و همبستگی نیرو های صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی را درک میکنید . همین درک همگون از اوضاع و احوال حاکم بر کشور ، تنفر از جنگ و نیرو های جنگ افروز

، عشق آتشین به وطن و مردم ، ، تعهد به آرمانهای والا و همسانی اندیشه ها و اهداف ، و بر نامه های ما بنیاد مستحکم و پایدار وحدت و همبستگی همیشگی بوده میتواند . ، ولی سوگمندان باید گفت که با وجود وجوه مشترک فراوان ، خانواده مشترک ما ، تا هنوز از تشمت و پراگندگی رنج میبرد.»
وی افزود :

» احزاب و سازمانهای سیاسی مدعی مبارزه بخاطر مردم رنج دیده ، دموکراسی و عدالت اجتماعی و انسان سالاری از تمام تلاشهای صادقانه حزب ملی افغانستان در زمینه وحدت نیروهای ملی مترقی و دموکرات کشور آگاهی کامل دارند . جو موجود سیاسی که دامنگیر نهضت روشنفکری کشور است و اقعاً درد ناک و تاسف انگیز است .

بر بنیاد فرهنگ انتخابات دموکراتیک ، تامین شرکت وسیع و آگاهانه افراد در امر وحدت اصولی از طریق تدویر کنفرانسهای وحدت و انعقاد کنگره منتخب میتوان به نتایج موثر سیاسی - سازمانی وحدت ارگانیک رسید.»

دوستان گرامی !

از نظر ما اگر ارزشهای دموکراتیک در یک حرکت و نهضت سیاسی احترام و رعایت نه شوند ، شکست آنها از ابتدای تشکل آنها مسلم است .

با وجود اینکه تلاشهای سازنده حزب ملی افغانستان در جهت تأمین وحدت نیروهای ملی و دموکراتیک تا اکنون نتایج ملموس را بار نیاورده ، بدون هیچگونه یأس و ناامیدی مشی وحدت طلبانه خویش را با تواضع و متانت بی نظیر تعقیب مینماید . ما بر این باوریم که ارزش های والا و جدید در جریان مبارزه ، کارو پیکار پیگیرانه و خستگی ناپذیر تشکل می یابد. ما ریشه های تشمت و پراگندگی نیروهای ملی مترقی و دموکرات کشور را، در فرهنگ فرتوت خودپرستی ، خودمحوری و یکه تازی می بینیم که با درد و دریغ فراوان سرپای نهضت روشنفکری را فراگرفته است . مسیر و پوتانشیل گرایشات متناقض و متنوع در بین نهضت روشنفکران افغان مستلزم مبارزه دشوار ، دوامدار و پیگیر ، برخورد اندیشمندان به مسایل حیاتی و مبرم ، روحیه مسولیت پذیری ، تشخیص نیروها و سطح آمادگی آنها و غیره می باشد . ضدیت با تکامل و ترقی ، گذشته گرایی و کهنه پرستی ، آینده نگری را از ما میگیرد . عناصر

عطالت سیاسی ، دورویی ، غرور و خودپرستی ، سازش ناپذیری و فرار از همکاری در بین نیروهای ملی ، دموکراتیک و مترقی به تداوم سلطه ننگین ارتجاع قرون وسطایی می انجامد .

حزب ملی افغانستان نیروهای راست و چپ کشور را که از دامن مادروطن برخاسته اند و در مواضع ملی و مترقی باقیمانده اند ، به اتحاد علیه هیولای جنگ و مافیای مواد مخدر و اسلحه و موضعگیری مسولانه در برابر منافع و مصالح عالیله ملی و وطنی دعوت می نماید . افغانستان خانه مشترک تمام اقوام و ملیت های برادر افغان و کلیه نیروهای ملی و دموکرات اعم از چپ و راست میباشد . همه ما به یک خانه و خانواده تعلق داریم . اختلاف در نظریات و مواضع ، منبع تغیر و تکامل جامعه است . احترام به مخالف و تأمین همکاری و تعاون برای رفاه اجتماعی و مصالح ملی ، باید جز لاینفک کلتور و اخلاق سیاسی باشد . ما خدمت به مردم و وطن را در انحصار یک گروه و یک حزب جدا رد میکنیم . امر بزرگ

تأمین صلح سراسری و ثبات سیاسی ، دفع و طرد مداخلات خارجی در امور افغانستان ، دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور ، غلبه بر عقبماندگی قرون وسطایی ، توسعه اقتصادی و اجتماعی ، تحکیم و تعمیم دموکراسی و تأمین عدالت اجتماعی سهمگیری فرد فرد افغان را ایجاب مینماید . اتحاد و همبستگی همه نیروهای که از جنگ متضرر میگردند و از وضع موجود رنج می برند ، کلید حل معضله افغانستان و یگانه الترناتیف برای برون رفت از بن بست موجود میباشد . از نظر ما هیچ سازمان و حزب نیرومند سیاسی به تنهایی ، بدون مشارکت وسیع احزاب مترقی و اقشار مختلف جامعه از عهده اجرای این وظایف برآمده نمی تواند .

حزب ملی افغانستان از سازماندهندگان این گردهمایی دوستانه تقاضا به عمل می آورد ، تا بیرون از دایره و محدوده احزاب ، سازمانها ، و حلقات سیاسی ، متشکل از بدنه حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، با قاعده وسیعتری ، برای جلب نیروهای ملی و دموکراتیک مبارزه نمایند . حزب ما توجه دوستان را به این حقیقت جلب مینماید ، که با وجود این محدوده ، به علت علایق ، روابط و وابستگی های بیمارگونه ، حتی بعضی از سازمانها ی سیاسی و احزاب رسمی ، متشکل از بدنه ح . د . خ . ا ، نیز در نشست امروزی ما فرصت سهمگیری نیافته است .

دوستان گرامی ! حزب ملی افغانستان افتخار دارد ، که با درک درست و دقیق از اوضاع و احوال کشور و احساس مسؤولیت در برابر مردم ، دو بار کمپاین وسیع و بزرگ وحدت و اتحاد نیروها را در سراسر افغانستان براه انداخته است ، و هر کمپاین زمان طولانی را در بر گرفته است . ما کمپاین وحدت طلبانه را به منظور ساختن آینده فارغ از ستم و استبداد ، برای تأمین آزادیها و حقوق انسانی براه انداختیم ، و دوستان ما در همان آغاز امر ، عدول از اصول دموکراسی را بنیاد

معامله و توافقات قرار میدهند . ما بر این باوریم که هر جنبش در صورت عدول از اصول دموکراسی ، در همان آغاز کار محکوم به شکست است . ما تجربه کافی حزب سیاسی را داریم ، که در آن ولنتاریسم رهبران ، اندکترین وقعی به خواستها و مطالبات ، نظرات و معتقدات اعضای وطنپرست و مبارزان نستوه نمی گذاشتند . ما وشما شاهد تمام کارنامه های خوب و تراژیک ح. د. خ. ا هستیم . این حزب به علت نبود دموکراسی داخل حزبی ، مجموعه ساده فرکسیونها و گروهکهای متعدد بود که هدف اصلی و فعالیت روزمره آنرا مبارزه علیه یکدیگر ، توطیه و دسیسه چینی علیه گروههای رقیب تشکیل میداد . ما وشما شاهد هستیم که دشمنی ما علیه یکدیگر ، به مراتب شدیدتر از دشمنی ما با استبداد و مظاهر آن بود . ما شاهد کودتاهای داخل حزبی ، به زندان افگندنها ، و کشتنهای بی رحمانه هستیم .

ما راه جدیدی ، جدا از خشونت ، متودها و اسلوب های جدید مبارزه را بر مبنای تفکر و اندیشه جدید انتخاب نموده ایم . راه حزب ملی افغانستان گر چه پر از فراز و نشیب است ، ولی روشن ، مستقیم و روبرو است . ما قطعاً ، هیچگاه و به هیچوجه به راست و چپ نخواهیم لغزید .

شما شاهد هستید ، که احزاب و سازمانهای جدید رویکار آمده ، متاسفانه به شیوه های کهنه و غیر دموکراتیک زندگی و فعالیت می نمایند . رهبر هر حزب به استثنای حزب ملی افغانستان ، از تأسیس حزب شان تا بقای آن رهبر میماند ، و شرط هر معامله اصولی و غیر اصولی را هم ، پذیرش رهبری خود قرار میدهد . استبداد که شاخ و دم نه دارد !!!

ما به اپتیسم به آینده مینگریم ، کار و پیکار برای اتحاد و همبستگی به مبارزات روزمره حزب ملی افغانستان مبدل گردیده است . چون ما جدی هستیم و معتقدیم که با اتحاد و همبستگی ، ایستاده و اثرگذار بر حیات سیاسی و اجتماعی ، و در صورت تفرقه و نفاق افتیده ، بی اثر و بی نقش خواهیم بود .

حزب ملی افغانستان هر آن و هر لحظه ، با احزاب و سازمانهای سیاسی که مشی مرامی و اهداف همگون با ما داشته باشد ، آماده وحدت عام و تام سازمانی و سیاسی ، بدون قید و شرط است . ادغام سازمانها ، پیروی از اصول دموکراسی ، راه اندازی انتخابات ، تدویر کنفرانسهای حزبی و کنگره اعضای منتخب ، راه رسیدن به این مأمول بزرگ است .

حزب ملی افغانستان عضو جبهه دموکرات افغانستان است ، و حاضر است تا با احزاب و سازمانهای که با ما در زمینه اصول مرامی و اهداف سیاسی تفاوتها دارند ، در یک جبهه متحد ملی ضد جنگ ، بنیادگرایی و تروریسم و اشکال استبداد ، تحت پلانتفرم مشترک ، مبارزه نماید .

رفقای عزیز !

ما در حالیکه از سازماندهندگان نشست امروزی از صمیم قلب اظهار سپاس نموده ، تلاشهای شائرا در زمینه ، شریفانه توصیف مینماییم ، و لی به توجه دوستان میرسانیم تا این تلاشها را هر چه عاجلتر به کشور ما افغانستان انتقال نمایند ، چون در آنجا نبرد است ، و آنجا تعیین کننده است !

تلاشهای بی آایشانه ما بیرون از کشور ، مهر بیرون از کشور را میبرد ، و شما میدانید که خارجی ها با مردم و کشور ما چه کرده اند .

در خصوص سهم سازمان ما باید گفت که سازمان اروپایی حزب ملی افغانستان یک برانچ کوچک حزب ملی افغانستان در اروپا است . نقش این سازمان در همچو مسایل در حدود مشوره است .

دوستان عزیز !

ما امروز جمع شده ایم تا راه حل‌های برای معضله افغانستان و مسایل پایان بخشیدن به تشتت و پراگندگی نیروهای ملی و دموکراتیک را جستجو و به بحث بگیریم . هر یک ما به خوبی میدانیم که انسجام ، وحدت و اتحاد ، قدرت آفرین است . وحدت و اتحاد به تشکیلات سیاسی توانایی عمل و قدرت فعالیت گسترده میبخشد . هر کس میدانند که یک کتله کوچک ولی متحد هر چیز است ، و یک کتله بزرگ ولی غیر متحد هیچ است . ازینکه نیروهای ملی و دموکراتیک متحد نیستند ، تأثیر شان بر اوضاع سیاسی کشور هم به هیچ برابر است .

ما ظرفیت ها و پوتانشیل کافی برای حل معضلات افغانستان داریم ولی با درد و دریغ که این ظرفیت ها برای اهداف دیگر ، غیر از منافع ملی ، مردم و کشور بکار گرفته میشود . با تأسف که ما هنوز عطش لگام گسیخته گروهها وحلقات سیاسی را در زمینه تحمیق و گول زدن دیگران ، به منظور تحمیل رهبری خود و رسیدن به رویاهای شخصی و گروهی مشاهده می نماییم . ایا جفای که تا هنوز در حق مردم بینوای افغانستان زیر نام کمونست و انقلابی ، مسلمان و مجاهد ، دموکرات و آزادیخواه و غیره صورت گرفته است ، کافی نیست ؟

میخواهید مردم مظلوم و اسیر افغانستان را نجات دهید ؟ پس نخست از همه اسارت خود را پایان بخشید !

هیچ اسیری به اسیران دیگر کمک کرده نه میتواند .

رفقا و دوستان !

ما اسیر اژدهای خودی هستیم . این اژدها بر شعور ، اندیشه ، قضاوت و وجدان ما چنگ زده است . تا اژدهای خودی را مهار نه کرده ایم ، دورویی و منافقت ، جفا و خیانت با جنبش مردم

ادامه خواهد یافت ، و جلسات ازین قبیل و تلاشهای شریفانه سازماندهندگان آنها، بی حاصل و بی نتیجه خواهد بود .

ما با این باور هستیم که صرف انرژی برای حفظ امتیازات پوشالی، ارمانهای مانرا به ابتذال میکشاند .

مردم ما چه خوب و حکیمانه گفته است : آن که بر سر تاج دارد ، آرامش نه دارد !
به عقیده و باور ما ، تشکیل یک اپوزیسیون نیرومند ، با روشن بینی سیاسی و تعهد صادقانه نقش مهم در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه دارد . ما نه تنها در برابر نسل امروز ، بلکه در برابر تاریخ و نسلهای آینده نیز مسؤل و پاسخگو هستیم .

ملت ها به خادمان آزادیها و مدافعین حقوق خویش احترام و ارزش قایل اند و آنها را زنده های جاودان میسازند . برای ما و شما درک این مهم و این امر ظریف ضروری است که ، ما در موقعیت خاص زمانی در سنگر دفاع از حقوق و آزادیهای مردم قرار داریم و به علت رسالتی تاریخی که به عهده داریم ، تاریخ ما را به حیث ایجادگران و پدران دموکراسی و مدافعین حقوق و آزادیهای انسان ، در حافظه خود جای خواهد داد .

بر ما وشما است ، که باید قافله سیاسی مردم افغانستان را، به مقصود و سرمنزل شان یعنی آزادی ، برابری ، و برادری برسانیم !

اگر بخواهید ، میتوانید ، عوض یکبار زندگی ، در تاریخ با تمام نسل ها زنده بمانید !
اگر بخواهید ، میتوانید ، با فرهنگ عقلانی به معضله نبود عدالت و بحران ارزشهای انسانی در کشور پایان ببخشید !

مردم میدانند که، کی ها عدالت و امنیت را از آنها میگیرد و کی ها خواهان آقایی بر آنها اند .
مردم میدانند که کی ها به زور سلاح و نیرنگ خود را بر سرنوشت ملی و سیاسی آنها تحمیل میکند ، و کی ها از حقوق و آزادیهای شان دفاع میکند . صحنه سیاسی ، صحنه نیست که با زیگران روی ستیج آن نا شناخته باقی بماند .

در اخیر اجازه دهید با تجدید مراتب سپاسگذاری ، به شاملان نشست امروزی ، در زمینه برآورده ساختن اهداف این گردهمایی موفقیت ارزو نمایم .

با عرض حرمت !